



Evaluating the impact of bank entrepreneurship on the inflation rate

Ali Rouhani Tazangi¹ | Bahram Erfanirad² | Ali Fakur³

1. Master of Science in Economics, Islamic Banking, Faculty of Resistance Economics, Imam Hossein University, Tehran, Iran
2. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Resistance Economics, Imam Hossein University, Tehran, Iran
berfanirad@gmail.com
3. Researcher, Department of Economics, Faculty of Resistance Economics, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Volume info

Vol. 7
Spring 2026
P.P: 45-62

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-06-09
Revised:
2025-10-11
Accepted:
2026-06-10
Published:
2026-06-10

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2717-1809
E-ISSN: 2717-199X



Abstract

In recent years, the expansion of entrepreneurship activities by banks has become one of the major challenges of the Iranian banking system. This study was conducted with the aim of examining the impact of entrepreneurship by banks on the inflation rate in the country. The main research question is whether and how do non-financial activities of banks affect the increase in the general level of prices? The present study is of an applied type and was conducted with a quantitative method and used panel data. The statistical population of the study included private banks active in the field of entrepreneurship, and four banks, Mellat, Saman, Pasargad, and Parsian, were purposefully selected as samples. The required data were collected from official sources such as the Central Bank and analyzed using EViews software. The findings show that entrepreneurship by banks has a positive and significant effect on the inflation rate; Thus, the entry of banks into unproductive investments has increased liquidity, reduced the allocation of resources to productive activities, and ultimately intensified inflationary pressures. Accordingly, it is suggested that inflation growth be prevented by amending banking laws, restricting banks' non-financial activities, and strengthening liquidity management tools.

Keywords: Bank entrepreneurship; inflation, increased liquidity.

Cite this article: Rouhani Tazangi, Ali, Erfanirad, Bahram, and Fakur, Ali. (1405). Evaluating the Impact of Bank Corporate Governance on Inflation Rate. Strategic Research on Budget and Finance, 7(1), 45-62.
DOR: 20.1001.1.31157947.1404.17.4.1.4



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



ارزیابی تأثیر بنگاهداری بانک‌ها بر نرخ تورم

علی روحانی تزنکی^۱ | بهرام عرفانی‌راد^۲ | علی فکور^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی گرایش بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد مقاومتی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد مقاومتی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران berfanirad@gmail.com
۳. پژوهشگر، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد مقاومتی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

چکیده

در سال‌های اخیر، گسترش فعالیت‌های بنگاهداری توسط بانک‌ها به یکی از چالش‌های مهم نظام بانکی ایران تبدیل شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر بنگاهداری بانک‌ها بر نرخ تورم در کشور انجام شده است. سؤال اصلی تحقیق آن است که آیا و چگونه فعالیت‌های غیرمالی بانک‌ها بر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد؟ پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با روش کمی انجام شده و از داده‌های تابلویی (Panel Data) بهره گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل بانک‌های خصوصی فعال در حوزه بنگاهداری بوده و چهار بانک ملت، سامان، پاسارگاد و پارسیان به صورت هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌های موردنیاز از منابع رسمی مانند بانک مرکزی گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار EViews تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد بنگاهداری بانک‌ها اثر مثبت و معناداری بر نرخ تورم دارد؛ به طوری که ورود بانک‌ها به سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد باعث افزایش نقدینگی، کاهش تخصیص منابع به فعالیت‌های تولیدی و در نهایت تشدید فشارهای تورمی شده است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود با اصلاح قوانین بانکی، محدودسازی فعالیت‌های غیرمالی بانک‌ها و تقویت ابزارهای مدیریت نقدینگی، از رشد تورم جلوگیری شود.

کلیدواژه‌ها: بنگاهداری بانک‌ها؛ تورم، افزایش نقدینگی

سال و شماره

سال ۷
بهار ۱۴۰۵
صص: ۶۲-۴۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۱۸۰۹-۲۷۱۷
الکترونیکی: X ۱۹۹-۲۷۱۷



استناد: روحانی تزنکی، علی، عرفانی‌راد، بهرام، و فکور، علی. (۱۴۰۵). ارزیابی تأثیر بنگاهداری بانک‌ها بر نرخ تورم.

پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه، ۷(۱)، ۴۵-۶۲.

[DOR: 20.1001.1.31157947.1404.17.4.1.4](https://doi.org/10.1001.1.31157947.1404.17.4.1.4)

ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع). © نویسندگان.



OPEN ACCESS

مقدمه

بانک‌ها به‌عنوان نهادهای کلیدی در بازار پول، نقش اساسی در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کنند. وظیفه اصلی آن‌ها جمع‌آوری سپرده‌ها و تخصیص منابع مالی به بخش‌های مولد اقتصاد است. با این حال، در سال‌های اخیر، بسیاری از بانک‌ها در ایران به‌جای تمرکز بر واسطه‌گری مالی، به فعالیت‌های بنگاهداری روی آورده‌اند. (کریمی وردنجانی و همکاران، ۱۳۹۹). این پدیده که به معنای مالکیت و سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها در شرکت‌های غیرمالی است، پیامدهای گسترده‌ای بر عملکرد اقتصادی کشور دارد. یکی از مهم‌ترین این پیامدها، تأثیر بنگاهداری بانک‌ها بر نرخ تورم است. اگرچه برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ورود بانک‌ها به سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد می‌تواند با افزایش نقدینگی و تخصیص نامناسب منابع همراه باشد، اما به‌طور نظری نمی‌توان نتیجه گرفت که تمام فعالیت‌های غیرمالی بانک‌ها الزاماً تورم‌زا هستند. در صورتی که هدایت منابع بانکی به سمت بخش‌های مولد و پروژه‌های دارای اولویت انجام گیرد، این امر حتی می‌تواند به رشد تولید و مهار تورم کمک کند.

در سال‌های اخیر، فعالیت‌های بنگاهداری بانک‌ها در ایران به‌طور قابل توجهی گسترش یافته است. این روند، پیامدهای گسترده‌ای بر ثبات اقتصادی کشور داشته و یکی از مهم‌ترین اثرات آن، افزایش نرخ تورم است. بنگاهداری بانک‌ها زمانی رخ می‌دهد که بانک‌ها به‌جای اعطای تسهیلات به بخش‌های مولد، منابع مالی خود را مستقیماً در شرکت‌های تجاری، صنعتی و خدماتی اقماری و تابع خودشان سرمایه‌گذاری می‌کنند. این امر می‌تواند منجر به خلق پول، افزایش نقدینگی و در نتیجه، تشدید فشارهای تورمی شود (ارشدی و همکاران، ۱۴۰۳).

در واقع، هنگامی که بانک‌ها منابع خود را در فعالیت‌های غیرمالی قفل می‌کنند، قدرت وام‌دهی آن‌ها کاهش یافته و تأمین مالی تولیدکنندگان و کارآفرینان با چالش مواجه می‌شود. علاوه بر این، مالکیت بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی، امکان دست‌کاری قیمت‌ها و ایجاد انحصار را افزایش داده و فشارهای تورمی بیشتری را به اقتصاد تحمیل می‌کند (پورصفر و همکاران، ۱۴۰۱).

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که بنگاهداری بانک‌ها می‌تواند از طریق چندین مسیر بر نرخ تورم اثر بگذارد. نخست، سرمایه‌گذاری بانک‌ها در دارایی‌های غیرمالی موجب افزایش تقاضای

کل و تحریک رشد نقدینگی در بازار می شود. دوم، تمرکز منابع بانکی بر فعالیت های سوداگرانه به جای تأمین مالی تولید، می تواند منجر به کاهش عرضه کالا و خدمات و در نتیجه افزایش قیمت ها شود. سوم، مخاطرات ناشی از بنگاهداری بانک ها، از جمله افزایش ریسک اعتباری و ناترازی مالی، ممکن است بانک ها را مجبور به دریافت حمایت های مالی از دولت کند که این امر نیز به رشد نقدینگی و تورم دامن می زند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹).

با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر بنگاهداری بانک ها بر نرخ تورم در ایران است. با استفاده از داده های چهار بانک خصوصی و به کارگیری روش های اقتصادسنجی، تلاش می شود تا مسیرهای اثرگذاری این پدیده بر تورم شناسایی و تحلیل شود. در نهایت، هدف اصلی این تحقیق ارائه راهکارهایی برای کاهش اثرات تورمی بنگاهداری بانک ها و بهبود سیاست های پولی و نظارتی است.

مبانی نظری پژوهش

بانک ها در هر نظام اقتصادی، به عنوان یکی از مهمترین نهادهای مالی، نقشی حیاتی در تأمین مالی، تخصیص بهینه منابع و حفظ ثبات اقتصادی ایفا می کنند. در یک سیستم مالی سالم، بانک ها با جمع آوری سپرده های مردم و تخصیص آنها به بخش های مولد اقتصادی، به رشد تولید ناخالص داخلی و ایجاد اشتغال کمک می کنند. اما در سالهای اخیر، بسیاری از بانک ها به جای تمرکز بر این نقش سنتی، به فعالیت های بنگاهداری روی آورده اند.

در ادبیات علمی جهان، نظریه های متعددی برای تبیین رابطه فعالیت های غیرمالی بانک ها و تورم ارائه شده است. نظریه برون رانی یا ازدحام بیان می کند که ورود بانک ها به سرمایه گذاری های غیرمولد، منابع مالی را از بخش های تولیدی منحرف کرده و موجب افزایش هزینه سرمایه و در نهایت رشد تورم می شود. (دمستر و استران، ۱۹۹۷). افزون بر این، نظریه پول درون زان نشان می دهد که خلق پول توسط بانک ها در نتیجه سرمایه گذاری های غیرمولد، موجب افزایش پایه پولی و فشارهای تورمی در اقتصادهای در حال توسعه می شود. (مور، ۱۹۸۸)

بنگاهداری بانک‌ها به معنای ورود مستقیم آنها به مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی است که این پدیده، به ویژه در کشورهای دارای ضعف نظارتی، می‌تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای، از جمله افزایش تورم، داشته باشد.

برخی نظریه پردازان اقتصادی معتقدند که ورود بانک‌ها به فعالیت‌های تجاری و صنعتی می‌تواند موجب افزایش سودآوری آنها و کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از واسطه‌گری مالی و اعطای تسهیلات بانکی شود. این دیدگاه بر این فرض استوار است که بانک‌ها، با داشتن دسترسی مستقیم به منابع مالی، می‌توانند در صنایع کلیدی سرمایه‌گذاری کرده و بهره‌وری را افزایش دهند. اما منتقدان این رویکرد تأکید دارند که بنگاهداری بانک‌ها باعث افزایش نقدینگی بدون پشتوانه، تخصیص نامناسب منابع، ایجاد انحصار و افزایش قیمت‌ها می‌شود که همگی می‌توانند فشارهای تورمی را در اقتصاد تشدید کنند (ارشدی و همکاران، ۱۴۰۳).

همچنین نتایج پژوهش حمید حاجی‌ملا میرزایی و محمد صادق حاجی‌ملا میرزایی (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که متغیرهایی مانند رقابت بانکی، نوآوری، کفایت سرمایه و ریسک‌آزمایی نیز در کنار سیاست‌های مالی، نقش مؤثری در تبیین عملکرد سودآوری و پایداری نظام بانکی ایفا می‌کنند. این یافته‌ها تلویحاً نشان می‌دهند که بنگاهداری و انحراف از نقش واسطه‌گری سنتی، می‌تواند تأثیر منفی بر شاخص‌های کلان اقتصادی مانند تورم داشته باشد.

در همین راستا، شکوه و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تجربی نشان دادند که ضعف شفافیت اطلاعاتی و بالا بودن سطح فساد در نظام بانکی، از عوامل مؤثر در کاهش رقابت‌پذیری بانک‌ها است. این شرایط باعث می‌شود که بانک‌ها به جای ایفای نقش واسطه‌گری کارآمد، به سمت فعالیت‌های سوداگرانه و پرریسک سوق پیدا کنند که می‌تواند از مسیر افزایش نقدینگی و کاهش کارایی سرمایه‌گذاری، فشارهای تورمی را تشدید نماید.

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای جلوگیری از ورود بانک‌ها به فعالیت‌های بنگاهداری وضع شده است. در ایالات متحده، قوانین ضد انحصار مانع از سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها در شرکت‌های غیرمالی شده‌اند و در کشورهای اروپایی نیز بانک‌ها تحت نظارت‌های شدیدی فعالیت می‌کنند. اما در ایران، از اوایل دهه ۱۳۸۰، روند ورود بانک‌ها به بخش‌های غیرمالی، به ویژه در حوزه املاک و مستغلات، شدت گرفت. بانک‌ها با خرید سهام

شرکت های صنعتی و تجاری، به جای ایفای نقش واسطه گری مالی، خود به بازیگران اصلی بازار تبدیل شدند. این روند، به ویژه در شرایط تورمی، موجب افزایش قیمت دارایی، کاهش دسترسی بنگاه های تولیدی به تسهیلات و در نتیجه، کاهش رشد اقتصادی شده است (باغستانی، ۱۴۰۰).

رابطه بنگاهداری بانک ها و افزایش تورم

یکی از مهم ترین اثرات بنگاهداری بانک ها بر تورم، افزایش حجم نقدینگی است. زمانیکه بانک ها منابع خود را به جای ارائه تسهیلات به کسب و کارهای کوچک و متوسط، در املاک و مستغلات و شرکت های غیرمالی سرمایه گذاری می کنند، حجم پول در گردش افزایش یافته و نقدینگی سرگردان در بازار ایجاد می شود. در واقع، ورود بانک ها به بنگاهداری، علاوه بر ایجاد انحصار در برخی از بازارها، موجب کاهش عرضه منابع ملی به بخش های تولیدی شده و افزایش هزینه های تولید را به دنبال دارد که این امر، در نهایت به تشدید تورم منجر می شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹).

علاوه بر تاثیر حجم نقدینگی، بنگاهداری بانک ها می تواند از طریق تخصیص نامناسب منابع نیز موجب افزایش تورم شود. در یک سیستم مالی سالم، منابع بانکی باید به سمت فعالیت های مولد، مانند صنعت، کشاورزی و فناوری، هدایت شوند. اما زمانی که بانک ها به دلیل جذابیت سودهای کوتاه مدت، سرمایه های خود را در دارایی های غیر مولد مانند املاک و مستغلات قفل می کنند، بخش تولید با کمبود نقدینگی مواجه شده و نرخ سود افزایش می یابد. افزایش نرخ سود، هزینه تامین مالی را برای تولیدکنندگان بالا برده و موجب افزایش قیمت کالاها و خدمات در بازار می شود که این روند، یکی از عوامل اصلی تورم ساختاری در اقتصاد ایران بوده است (پورصفر و همکاران، ۱۴۰۱).

پیشینه پژوهش

پیشینه تحقیق در حوزه بنگاهداری بانک ها و تاثیر آن بر تورم شامل مطالعات متعددی است که در دو بخش مطالعات داخلی و مطالعات خارجی بررسی شده است. این مطالعات به تحلیل رابطه

بین ورود بانک‌ها به فعالیت‌های غیرمالی و تغییرات سطح نقدینگی، تورم و سایر شاخص‌های اقتصادی پرداخته‌اند.

مطالعات خارجی

با وجود مطالعات گسترده درباره تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها، پژوهش‌هایی که به طور مستقیم رابطه بنگاهداری بانک‌ها و تورم را بررسی کرده باشند محدودند. از این رو در این مقاله، نزدیک‌ترین مطالعات موجود در زمینه تأثیر فعالیت‌های غیر سنتی بانک‌ها، خلق اعتبار و سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها بر شاخص‌های کلان اقتصادی مرور شده‌اند. اگرچه این مطالعات دقیقاً با موضوع پژوهش حاضر منطبق نیستند، اما از نظر مفهومی می‌توانند چارچوب نظری لازم را فراهم کنند و خلأ موجود در ادبیات تحقیق را نشان دهند.

مطالعه‌ای که توسط آندریانا و همکاران (۲۰۲۳) در مجله اقتصاد پویا و کسب و کار بین‌المللی سریویجایا انجام شده است، به بررسی تأثیر تورم بر ریسک بانک‌های اسلامی در ۲۶ کشور پرداخته است. هدف این پژوهش، ارزیابی رابطه میان تورم و ریسک تجاری بانک‌های اسلامی بوده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های نماینده تورم، تأثیر معناداری بر ریسک تجاری بانک‌های اسلامی ندارند. به این معنا که تغییرات در نرخ تورم، چه به صورت افزایش و چه کاهش، اثری بر میزان ریسک تجاری بانک‌های اسلامی نخواهد داشت.

علاوه بر این، پژوهش دارای محدودیت‌هایی است که عمدتاً ناشی از انتخاب متغیرهای نماینده (پروکسی‌ها) برای تورم است. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که در تحقیقات آینده، شاخص‌های کلان اقتصادی دیگر مانند تولید ناخالص داخلی (GDP) و نرخ ارز نیز برای بررسی رابطه بین تورم و ریسک بانک‌ها مورد مطالعه قرار گیرند.

این یافته‌ها با برخی مطالعات قبلی که نشان داده‌اند تورم می‌تواند تأثیر مستقیمی بر عملکرد و ثبات بانک‌ها داشته باشد، در تضاد است. با این حال، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی ممکن است به دلیل ماهیت خاص عملیات خود، تحت تأثیر نوسانات تورمی قرار نگیرند.

ماریه و حسین (۲۰۲۳) در پژوهشی که در مجله علوم اقتصادی و اداری منتشر شده است، تأثیر انتظارات تورمی بر عملکرد بانک های تجاری فهرست شده در هند را طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ بررسی کرده اند. این مطالعه با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) و داده های ۲۷ بانک نشان داده است که انتظارات تورمی تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص های حسابداری عملکرد بانک ها مانند بازده دارایی ها (ROA) و بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) دارد، اما بر شاخص بازار محور مانند نسبت کیو تو بین^۱ تأثیر منفی می گذارد. نتایج این پژوهش بر اهمیت لحاظ کردن انتظارات تورمی در سیاست های کلان اقتصادی و تصمیمات راهبردی بانک ها تأکید دارد و نشان می دهد که مدیریت صحیح انتظارات تورمی می تواند به بهبود عملکرد بانک ها و رشد اقتصادی کمک کند.

اوریمائونجه (۲۰۱۹) در پژوهشی که در دانشگاه آیدین استانبول انجام شده است، به بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی و نرخ تورم در نیجریه طی دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۴ پرداخته است. در این مطالعه، داده های بانک مرکزی نیجریه، شاخص های توسعه جهانی (World Development Indicators) و اداره آمار ملی نیجریه مورد استفاده قرار گرفته و از روش های آمار توصیفی، نمودارهای تحلیلی و آزمون علیت گرنجر (Granger Causality Test) برای تحلیل داده ها بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که اعتبار داخلی (Domestic Credit: DC) و خالص اعتبار داخلی (Domestic Credit to the Private Sector: DOMCRE) تأثیر معناداری بر تولید ناخالص داخلی (Gross Domestic Product: GDP) دارند، اما تأثیر معناداری بر نرخ تورم (Inflation Rate) ندارند. این مطالعه اهمیت نقش اعتبارات بانکی در رشد اقتصادی را تأیید می کند، اما نشان می دهد که افزایش اعتبارات بانکی لزوماً تأثیری بر نرخ تورم در نیجریه ندارد.

حوشیاری و پاکدل مغالو (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر تورم بر سودآوری بانک های دولتی و خصوصی ایران طی دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ پرداخته اند. در این مطالعه که با استفاده از روش سرشماری بر روی بانک هایی نظیر تجارت، ملت، صادرات، پارسیان، پاسارگاد، اقتصاد نوین، سامان، سینا، تات، قوامین، کارآفرین و مؤسسات مالی توسعه و عسکریه انجام شده، از روش

1 Tobin's Q

گشتاورهای تعمیم‌یافته (Generalized Method of Moments: GMM) برای تخمین مدل استفاده شده است. نتایج تحقیق که با نرم‌افزار EViews تحلیل شده‌اند، نشان می‌دهد که تورم (Inflation) تأثیر معناداری بر سودآوری بانک‌ها (Bank Profitability) دارد. همچنین، متغیرهایی مانند حاشیه سود خالص (Net Interest Margin: NIM)، اندازه بانک (Bank Size: BSize)، نقدینگی (Liquidity)، مالیات (Taxation)، سرمایه‌گذاری (Investment)، کارایی هزینه‌ای (Cost Efficiency)، فعالیت‌های غیرسنتی (Non-Traditional Activities)، تمرکز (Market Concentration) و توسعه بخش بانکی (Banking Sector Development: BSD) نیز بر سودآوری بانک‌ها اثرگذار هستند.

تان و فلوروس (۲۰۱۲) در پژوهشی که در مجله مطالعات اقتصادی منتشر شده است، تأثیر تورم بر سودآوری بانک‌های چین را در کنار سایر عوامل بررسی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از داده‌های ۱۰۱ بانک در بازه ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) دریافتند که تورم، کارایی هزینه، توسعه بانکی و بازار سهام تأثیر مثبتی بر سودآوری بانک‌ها دارند، در حالی که فعالیت‌های غیرسنتی و مالیات‌های بالا سودآوری را کاهش می‌دهند. این پژوهش بر اهمیت بهبود مدیریت نیروی کار و بازتر شدن بازار مالی توسط دولت تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که مطالعات آینده به بررسی سودآوری شعب بانک‌های ملی چین بپردازند.

مطالعات داخلی

ارشدی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی تحت عنوان "نسبت بنگاهداری بانک‌ها با نرخ تورم و دلالت‌های آن برای تغییرات نرخ سود" نشان دادند که افزایش خلق پول و نقدینگی در صورت عدم تناسب با رشد اقتصادی، یکی از دلایل اصلی افزایش تورم است. این پژوهش تأکید دارد که سیاست‌گذاران با افزایش نرخ سود، تلاش کرده‌اند جریان نقدینگی را از بازار به بانک‌ها هدایت کنند، اما این سیاست تأثیر قابل توجهی بر کاهش تورم نداشته است و تنها منجر به افزایش هزینه سرمایه و کاهش دستمزد واقعی نیروی کار شده است.

شیریچیان و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی دیگر، موانع خروج بانک‌ها از بنگاهداری را شناسایی و رتبه‌بندی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که مهم‌ترین موانع خروج بانک‌ها از

بنگاهداری شامل عدم شفافیت ساختار مالکیتی بانک‌ها، نبود قوانین محدودکننده قوی و سودآوری بالای فعالیت‌های غیرمالی برای بانک‌ها است.

گرچی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود به بررسی تأثیر بنگاهداری بانک‌ها بر رشد اقتصادی پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که بنگاهداری بانک‌ها در ایران نه تنها موجب کاهش رشد اقتصادی شده است، بلکه منجر به افزایش نابرابری در تخصیص منابع مالی و تشدید نوسانات اقتصادی نیز شده است.

پورصفر و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی ارتباط میان بنگاهداری بانک‌ها و ثبات مالی، نشان دادند که ورود بانک‌ها به فعالیت‌های غیرمالی، موجب افزایش ریسک نکول و در نتیجه افزایش فشارهای تورمی می‌شود. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که محدودیت‌های قانونی بیشتری برای جلوگیری از ورود بانک‌ها به بازارهای غیرمالی وضع شود.

کریمی وردنجانی و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری پدیده بنگاهداری بانک‌ها و پیامدهای آن، نشان دادند که گسترش این فعالیت‌ها موجب انحراف منابع بانکی از تأمین مالی تولید و تشدید ناترازی مالی می‌شود. یافته‌های این پژوهش ضرورت مداخله سیاست‌گذار برای محدودسازی فعالیت‌های غیرمولد بانک‌ها را تأکید کرده است. تحقیق حاضر با تمرکز بر تاثیر مستقیم بنگاهداری بانک‌ها بر نرخ تورم و استفاده از داده‌های تابلویی، نتایج این رویکرد را تکمیل کرده و شواهد تجربی روشن‌تری ارائه می‌دهد.

در تدوین چارچوب نظری و مدل تحلیلی این پژوهش، از مطالعه پورصفر و معصومی‌نیا (۱۴۰۱) با عنوان «تحلیل و بررسی ارتباط بین بنگاهداری بانک‌ها و رشد اقتصادی ایران» الگو گرفته شده است. در آن پژوهش، از روش داده‌های تابلویی طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ استفاده شده و متغیرهایی مانند نسبت تسهیلات به دارایی، سرمایه‌گذاری بانک در شرکت‌ها و کفایت سرمایه، به‌عنوان شاخص‌های عملکرد بنگاهداری بانک‌ها در ارتباط با رشد اقتصادی بررسی شده‌اند. پژوهش حاضر با اقتباس از این چارچوب، مدل تحلیلی خود را توسعه داده و متغیرهای منتخب را در قالبی به‌روز بازآزمایی می‌کند.

پژوهش معصومی‌نیا و همکاران (۱۴۰۱) بر تحلیل رابطه بنگاهداری بانک‌ها و رشد اقتصادی تمرکز داشت، در حالی که مقاله حاضر تاثیر مستقیم بنگاهداری بانک‌ها بر نرخ تورم را با

بهره‌گیری از داده‌های تابلویی بررسی کرده است. بدین ترتیب، پژوهش حاضر علاوه بر تکمیل نتایج معصومی‌نیا، شواهد تجربی روشن‌تری درباره نقش بنگاهداری بانک‌ها در فشارهای تورمی ارائه می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر بنگاهداری بانک‌ها بر نرخ تورم در ایران انجام شده است. در این بخش، روش پژوهش، جامعه آماری، روش گردآوری داده‌ها، متغیرهای تحقیق و مدل مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها تشریح می‌شود. همچنین، روش‌های آماری و اقتصادسنجی به کار گرفته شده، شامل مدل داده‌های تابلویی، آزمون‌های پایایی متغیرها و هم‌جمعی، توضیح داده خواهد شد.

نوع پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، پس‌رویدادی و همبستگی است. داده‌های پژوهش به صورت تابلویی (Panel) گردآوری شده‌اند؛ بدین معنا که اطلاعات چهار بانک خصوصی منتخب در چند دوره زمانی به طور همزمان در دسترس بوده است. استفاده از مدل داده‌های تابلویی این امکان را فراهم می‌کند که ویژگی‌های خاص هر بانک و تغییرات زمانی به طور همزمان کنترل شوند. این روش نسبت به مدل‌های صرفاً مقطعی یا سری زمانی برآوردهای دقیق‌تر و کاراتری ارائه می‌دهد.

پژوهش‌های کاربردی با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های بنیادی، به دنبال ارائه راهکارهایی برای حل مسائل اقتصادی و بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری هستند. همچنین، از آنجا که این مطالعه بر داده‌های گذشته تمرکز دارد و به بررسی روابط بین متغیرها می‌پردازد، از نوع همبستگی محسوب می‌شود.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل بانک‌های خصوصی ایران است که طی سال‌های اخیر در حوزه بنگاهداری فعالیت داشته‌اند. برای نمونه‌گیری، چهار بانک خصوصی شامل بانک‌های ملت،

سامان، پاسارگاد و پارسیان انتخاب شده‌اند. این بانک‌ها به دلیل داشتن سهم قابل توجه در بازار مالی ایران و فعالیت گسترده در بنگاه‌داری انتخاب شده‌اند.

روش گردآوری داده‌ها

این پژوهش از داده‌های کمی و ثانویه استفاده می‌کند. داده‌های عددی مورد نیاز از منابع معتبر آماری شامل گزارش‌های رسمی بانک مرکزی، سالنامه‌های آماری و گزارش‌های مالی بانک‌ها که در سایت کدال منتشر شده‌اند، گردآوری شده است. استفاده از داده‌های ثانویه به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که تحلیل دقیقی از وضعیت اقتصادی و مالی کشور ارائه دهد.

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش، نرخ تورم به عنوان متغیر وابسته و سطح بنگاه‌داری بانک‌ها به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. همچنین، سایر متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله نرخ سود و رشد نقدینگی، به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل لحاظ شده‌اند.

برای سنجش سطح بنگاه‌داری بانک‌ها (BBA)، از سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها در شرکت‌های وابسته استفاده شده است. داده‌ها از صورت‌های مالی حسابرسی شده بانک‌ها در سامانه کدال استخراج گردید.

شاخص BBA به صورت نسبت ارزش سرمایه‌گذاری‌های غیرمالی بانک در شرکت‌های وابسته به کل دارایی‌های بانک تعریف شده و نشان‌دهنده سهم فعالیت‌های غیرمالی در ساختار دارایی بانک است.

مدل و روش تحلیل داده‌ها

برای برآورد تأثیرات بنگاه‌داری بانک‌ها بر نرخ تورم، از مدل داده‌های تابلویی (Panel Data) استفاده شده است. این روش به دلیل توانایی در تحلیل متغیرهای طولی و مقطعی، مناسب‌ترین روش برای پژوهش حاضر محسوب می‌شود. آزمون‌های آماری مختلف شامل آزمون مانایی، آزمون اف-لیمر، آزمون هاسمن و آزمون هم‌جمع‌ی پدرونی برای بررسی پایایی، اعتبار و روابط بلندمدت بین متغیرها انجام شده است.

مدل مبنا به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$inf_{it} = \beta_0 + \beta_1 BBA + \beta_2 AL + \beta_3 IR + \epsilon_t \quad (1) \text{ رابطه}$$

این مقاله با استفاده از مدل مبنای فوق و روش اقتصادسنجی، روابط بین متغیر مستقل بنگاهداری بانک‌ها (BBA) و دیگر متغیرهای کنترلی اقتصادی همچون حجم نقدینگی (AL) و نرخ سود (IR) و تأثیر این متغیرها بر متغیر وابسته تورم (INF) مورد بررسی قرار می‌دهد.

روایی و پایایی ابزارهای پژوهش

روایی مدل تحقیق از طریق آزمون هم‌جمعی پدرونی بررسی شده است تا اطمینان حاصل شود که بین متغیرهای مدل، یک رابطه معنادار بلندمدت وجود دارد. همچنین، پایایی متغیرها با استفاده از آزمون مانایی بررسی شده است تا مشخص شود که متغیرهای پژوهش دارای روند تصادفی نیستند و می‌توان از آن‌ها در مدل اقتصادسنجی استفاده کرد.

یافته‌های پژوهش

این بخش به تحلیل نتایج حاصل از پژوهش پرداخته و آزمون‌های آماری مورد استفاده، شامل بررسی پایایی متغیرها، آزمون هم‌جمعی، آزمون انتخاب مدل و تحلیل ضرایب، ارائه می‌شود. جداول مربوط به این آزمون‌ها و تحلیل‌های آماری نیز در ادامه آورده شده است.

بررسی پایایی و روایی متغیرها

برای بررسی پایایی متغیرها از آزمون مانایی استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱. نتایج بررسی پایایی متغیرها

نام متغیر	INF	BBA	AL	IR
وضعیت	I (1)	I (1)	I (1)	I (0)
آماره (عدد)	-2/04	-1/58	-3/69	-6/52
احتمال (درصد)	0/02	0/05	0/00	0/00

* یافته‌های پژوهشگر

این نتایج نشان می دهد که تمام متغیرهای مدل در سطح یا با یک بار تفاضل گیری مانا هستند و می توان از آن ها در تحلیل اقتصادسنجی استفاده کرد. برای بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها (روایی متغیرهای تحقیق)، از آزمون هم جمعی پدرونی استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۲. نتایج آزمون هم جمعی پدرونی

آماره آزمون	آماره Statistic (عدد)	احتمال prob (درصد)
Panel ADF-Statistic	-2/13	0/01

* یافته های پژوهشگر

نتایج نشان می دهد که فرضیه صفر (عدم وجود هم جمعی) رد شده و بین متغیرهای پژوهش یک رابطه هم جمعی بلندمدت وجود دارد.

آزمون انتخاب مدل (F-Limer و هاسمن)

برای تعیین نوع مدل مناسب، ابتدا آزمون F-Limer برای تشخیص استفاده از داده های ترکیبی یا پنل انجام شده است. نتایج این آزمون در جدول زیر آمده است:

جدول ۳. نتایج مربوط به آزمون F-Limer برای چهار بانک

Effect test	آماره Statistic (عدد)	احتمال Prob (درصد)	df
Cross-section F	11/22	0/00	(3,37)

* یافته های پژوهشگر

سپس، برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی، آزمون هاسمن اجرا شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۴. نتایج مربوط به آزمون هاسمن برای چهار بانک

خلاصه آزمون	احتمال	درجه آزادی	Statistic Chi-Sq.
Period random	1/00	3	0/00

* یافته های پژوهشگر

نتایج آزمون هاسمن نشان داد که مدل اثرات ثابت برای این پژوهش مناسب تر است.

تحلیل ضرایب مدل و نتایج نهایی

پس از انتخاب مدل مناسب، ضرایب برآوردی متغیرها محاسبه و تحلیل شد. نتایج برآورد مدل در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۵. نتایج مربوط به تحلیل ضرایب

متغیر	ضرایب	احتمال
C	4/11	0/60
BBA	0/78	0/00
AL	0/31	0/00
IR	-0/45	0/02

* یافته‌های پژوهشگر

تحلیل نتایج

بنگاه‌داری بانک‌ها (BBA) تأثیر مثبت و معناداری بر تورم دارد. ضریب $0/78$ نشان می‌دهد که افزایش ۱ واحدی در شاخص بنگاهداری بانک‌ها، تورم را به میزان $0/78$ واحد افزایش می‌دهد. حجم نقدینگی (AL) نیز تأثیر مثبت و معناداری بر تورم دارد. ضریب $0/31$ نشان می‌دهد که رشد نقدینگی منجر به افزایش نرخ تورم می‌شود. این نتیجه با نظریه‌های پولی که تأکید دارند رشد نقدینگی عامل اصلی تورم است، همخوانی دارد.

نرخ سود (IR) تأثیر منفی و معناداری بر تورم دارد. ضریب $-0/45$ نشان می‌دهد که افزایش ۱ واحدی در نرخ سود، تورم را $0/45$ واحد کاهش می‌دهد. این یافته نشان می‌دهد که سیاست‌های پولی انقباضی می‌توانند در کنترل تورم نقش داشته باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این پژوهش نشان داد که بنگاهداری بانک‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ تورم دارد. بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، بانک‌هایی که در فعالیتهای غیرمالی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به دلیل افزایش نقدینگی و کاهش تخصیص منابع به بخش‌های مولد اقتصادی، منجر به رشد تورم شده‌اند.

نتایج این مطالعه با یافته‌های عزیزی و همکاران (۲۰۲۱) نیز هم‌راستا است؛ آن‌ها نشان دادند که انحراف منابع بانکی از مسیر تسهیلات مولد در شرایط بحران، منجر به کاهش ظرفیت تولیدی و تشدید تورم می‌شود.

حجم نقدینگی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر تورم دارد. نتایج نشان داد که افزایش نقدینگی بدون رشد متناسب در تولید، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است. این یافته نشان می‌دهد که سیاست‌های مدیریت نقدینگی بانک مرکزی نقش مهمی در کنترل تورم دارد. همچنین، نتایج حاکی از آن است که نرخ سود تأثیر منفی و معناداری بر تورم دارد، به این معنا که افزایش نرخ سود می‌تواند از طریق کاهش تقاضای کل و محدود کردن خلق نقدینگی، منجر به کاهش نرخ تورم شود. این یافته بر اهمیت نقش سیاست‌های پولی در کنترل نرخ تورم تأکید دارد.

در نهایت، بر اساس آزمون‌های اقتصادسنجی انجام‌شده، مدل اثرات ثابت به‌عنوان مناسب‌ترین مدل برای تحلیل داده‌های این پژوهش انتخاب شد. نتایج آزمون هاسمن نیز تأیید کرد که این مدل، ارتباط معناداری را میان متغیرهای تحقیق برقرار کرده و روابط علی بین متغیرهای مستقل و وابسته را به‌درستی نشان می‌دهد.

پیشنهادات سیاستی

بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهادات زیر برای سیاست‌گذاران و نهادهای مرتبط ارائه می‌شود. این پیشنهادات با هدف کاهش اثرات تورمی فعالیت‌های بنگاهداری بانک‌ها و بهبود کارایی نظام بانکی ارائه شده‌اند.

الف) کنترل و نظارت بر بنگاهداری بانک‌ها

بانک مرکزی باید مقررات سخت‌گیرانه‌تری برای محدود کردن سرمایه‌گذاری بانک‌ها در فعالیت‌های غیر تخصصی اعمال کند.

شفافیت در عملکرد بنگاهداری بانک‌ها افزایش یابد و بانک‌ها ملزم شوند که بر وظایف اصلی خود، مانند تأمین مالی تولید، تمرکز کنند.

الزام بانک‌ها به فروش دارایی‌های غیرمولد و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی می‌تواند به کاهش اثرات تورمی کمک کند.

(ب) مدیریت نقدینگی در اقتصاد

با توجه به تأثیر مثبت و معنادار حجم نقدینگی بر تورم، بانک مرکزی باید از ابزارهایی مانند عملیات بازار باز و تغییر نرخ ذخیره قانونی برای کنترل نقدینگی استفاده کند. اصلاح ساختار تأمین مالی در کشور و جلوگیری از خلق پول پر قدرت توسط بانک‌ها از طریق محدود کردن وام‌دهی به فعالیت‌های غیرمولد، ضروری است.

(ج) سیاست‌گذاری در حوزه نرخ سود

با توجه به اینکه نرخ سود تأثیر منفی بر تورم دارد، افزایش تدریجی نرخ سود می‌تواند به کاهش فشارهای تورمی کمک کند.

تسهیلات هدفمند با نرخ سود پایین برای بخش‌های تولیدی، مانند صنایع کوچک و متوسط، پیشنهاد می‌شود تا اثرات منفی تورم کاهش یابد و رشد اقتصادی تقویت شود.

(د) تقویت استقلال بانک مرکزی

استقلال بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی باید تقویت شود تا دخالت‌های سیاسی در مدیریت نقدینگی و نرخ سود کاهش یابد.

ارائه گزارش‌های شفاف و مستمر از سیاست‌های پولی و نتایج آن‌ها، می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش داده و اثربخشی سیاست‌های اقتصادی را بهبود بخشد.

فهرست منابع

- Andriana, I., Yulianita, A., Karimudin, Y., Thamrin, K. M. H., & Muizzuddin, M. (2023). The impact of inflation on bank risk: A study of Islamic banks. *Sriwijaya International Journal of Dynamic Economics and Business*, 201–210.
- Arshadi. (2024, May). The relationship between bank business ownership and the inflation rate, and its implications for interest rate changes. In *Conference on Islamic Economics in the Face of Fundamental Challenges of Iran's Economy*. [In Persian]
- Azizi, K., Mahmoudzadeh, M., & Esfandiar, K. (2021). Investigating the effects of banks' participatory facilities on the real sector of the economy with an emphasis on financial crises. *Strategic Research in Budgeting and Public Finance*, 2(4), 43–72. [In Persian] 20.1001.1.27171809.1400.2.4.2.4
- Demsetz, R. S., & Strahan, P. E. (1997). Diversification, size, and risk at bank holding companies. *Journal of Money, Credit, and Banking*, 29, 300–313.
- Fahimi, H. (2014). Consequences of bank business ownership. *Bazar va Sarmaye Monthly*, 5(58–59), 69. [In Persian]
- Gorji & Bagheri. (2024). The scope of bank activities: The optimal legal restriction on investment and business ownership — a comparative study. *Comparative Legal Studies*, 15(1), 191–212. [In Persian]
- Hashemi, F., Hosseini, S. Sh., Kiani, H., & Farzin. (2020). Investigating the relationship between inflation and exchange rate considering the currency market pressure index and the level of central bank intervention. *Semiannual Journal of Economic Policy and Scientific Studies*, 7(2), 239–266. [In Persian]
- Hooshyari, N., & Moghanloo, A. P. (2015). Evaluating the impact of inflation on profitability of banks. *Arabian Journal of Business and Management Review (Kuwait Chapter)*, 4(9), 19–23.
- Karimi Verdanjani, R., Hassanzadeh Sarvestani, H., Ghavvam, M. H., & Ghaffari, A. (2020). Identifying and ranking the factors influencing the emergence of the phenomenon of business ownership in the banking system of the Islamic Republic of Iran and explaining its consequences. *Islamic Financial Studies*, 10(1), 377–410. [In Persian]
- Maria, M. B., & Hussain, F. (2023). Does inflation expectation affect banks' performances? Evidence from Indian banking sector. *Journal of Economic and Administrative Sciences*.
- Haji Molla Mirzaei, H., & Haji Molla Mirzaei, M. S. (2020). Investigating the impact of financial stimuli on the profitability of selected listed banks. *Strategic Research in Budgeting and Public Finance*, 1(4), 181–217. [In Persian] 20.1001.1.27171809.1399.1.4.6.1
- Orimogunje, O. E. (2019). The impact of banking credit on economic growth and inflation: The case of Nigeria. *IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM)*, 21(2), 32–44.
- Poursafar & Masouminia. (2022). Analysis and investigation of the relationship between bank business ownership and economic growth in Iran. *Iranian Journal of Political Sociology*, 5(7), 823–848. [In Persian]
- Shirichian, Barani Benab & Kiaei. (2024). Identifying and ranking the outcomes of banks' behavioral transformation in exiting business ownership and speculative activities (with

emphasis on clause two of the general policies of the Seventh Development Plan).
Strategic Economic Policy Quarterly, 13.(۴۸) [In Persian]

Shokouh, H., Haji Molla Mirzaei, M. S., & Haji Molla Mirzaei, H. (2021). The impact of transparency strategy, corruption index, and banking characteristics on the competitiveness index in selected listed banks. Strategic Research in Budgeting and Public Finance, 2(4), 131–159. [In Persian] 20.1001.1.27171809.1400.2.4.5.7

Tan, Y., & Floros, C. (2012). Bank profitability and inflation: The case of China. Journal of Economic Studies, 39(6), 675–696

